

جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره

تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

همچنین می‌توانید در شبکه‌های

اجتماعی ایتا، واتساپ و تلگرام با

شماره فوق سفارش خود را ثبت

فرمایید.

www.hpbook.ir

[@hoghoghepoyapub](https://t.me/hoghoghepoyapub)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستیار دادگاه حقوقی

جلد ششم

حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در جلسه دادرسی

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

مجید عطایی جنتی

علی اکبر ملا احمدی شورکی

مرتضی تیرگانی

سحر زارع خفری

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

۱- مقدمه ۱

۲- دیباچه ۲

۳- حقوق و تکالیف اصحاب دعوا تا اولین جلسه دادرسی ۵

۳-۱. حقوق خواهان ۵

۳-۱-۱. استرداد دادخواست ۵

۳-۱-۱-۱. استرداد دادخواست ناقص ۶

۳-۱-۱-۲. استرداد تامین خواسته قبل از جلسه اول رسیدگی ۸

۳-۱-۱-۳. نمونه قرار استرداد دادخواست بند الف ماده ۱۰۷ ۱۰

۳-۱-۲. تعرض به اصالت اسناد خوانده ۱۲

۳-۱-۲-۱. ادعای انکار یا تردید نسبت به سند رسمی خوانده ۱۳

۳-۱-۲-۲. ادعای انکار یا تردید نسبت به سند عادی خوانده ۱۴

۳-۱-۲-۳. ادعای جعل نسبت به سند رسمی ۱۴

۳-۱-۲-۴. شرایط صدور قرار رسیدگی به اصالت سند ۱۵

۳-۲. حقوق خوانده ۱۸

۳-۲-۱. اعتراض به بهای خواسته ۱۸

۳-۲-۱-۱. شرایط اعتراض به بهای خواسته ۱۸

۳-۲-۱-۲. موضوع دعوا وجه رایج یا ارز خارجی نباشد ۱۹

۳-۲-۱-۳. ابراز تا اولین جلسه دادرسی ۲۱

- ۲۳-۲-۱-۱-۳. اعلام بها توسط خوانده..... ۲۳
- ۲۳-۲-۱-۱-۴. موثر بودن در مراحل بعدی رسیدگی..... ۲۳
- ۲۵-۲-۱-۲. تکلیف دادگاه در صورت اعتراض به بهای خواسته..... ۲۵
- ۲۷-۲-۱-۳. اعتراض به بهای خواسته در دعوی غیر منقول..... ۲۷
- ۳-۲-۲. تعرض به اصالت اسناد خواهان ۳۶
- ۳-۲-۲-۱. تاثیر شهادت شهود در اثبات اصالت سند عادی انکار شده ۳۶
- ۳-۲-۲-۲. عدم استرداد سند و موثر بودن سند در دعوا..... ۳۷
- ۳-۲-۲-۳. مهلت تعرض نسبت به اصالت سند..... ۳۸
- ۳-۲-۲-۴. معیار تشخیص سند عادی و سند رسمی..... ۴۰
- ۳-۲-۲-۵. معیار تشخیص محتویات و مندرجات سند رسمی..... ۴۲
- ۳-۲-۲-۶. استمهال خواهان..... ۴۵
- ۳-۲-۲-۷. اصل صحت یا اصل عدم در اعتبار اسناد..... ۴۸
- ۳-۲-۲-۸. تبعیت رای قطعی کیفری برای محاکم حقوقی دائر بر جعلیت سند..... ۴۹
- ۳-۲-۲-۹. تعیین تکلیف سند مجعول..... ۵۲

۴- حقوق و تکالیف اصحاب دعوا تا پایان اولین جلسه دادرسی ۵۴

- ۴-۱. حقوق خواهان ۵۴
- ۴-۱-۱. طرح ایرادات ۵۴
- ۴-۱-۱-۱. ایراد رد دادرسی..... ۵۵
- ۴-۱-۱-۲. نمونه قرار امتناع از رسیدگی..... ۵۶
- ۴-۱-۱-۳. قطعیت قرار امتناع از رسیدگی..... ۵۶
- ۴-۱-۱-۴. وظیفه دادگاه بعد از صدور قرار امتناع از رسیدگی..... ۵۷
- ۴-۱-۱-۵. تقدم قرار عدم صلاحیت بر قرار امتناع از رسیدگی..... ۶۰
- ۴-۱-۱-۶. شمول جهات رد دادرسی در خصوص کمیسیون‌های شبه قضایی..... ۶۱
- ۴-۱-۱-۷. تکلیف قاضی دادگاه در صورت قرابت با وکیل..... ۶۴
- ۴-۱-۱-۸. تاثیر طرح دعوی مدنی یا شکایت کیفری علیه دادرسی..... ۶۶
- ۴-۱-۱-۹. تاثیر شکایت انتظامی در جهات رد دادرسی..... ۶۸

- ۱-۱-۱-۱۰. تکلیف قاضی در صورت طرح یک موضوع در دو شعبه..... ۶۹
- ۱-۱-۱-۱۱. اتخاذ تصمیم ماهوی علی رغم مشمول بودن ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی..... ۷۰
- ۱-۱-۱-۱۲. صدور قرار اعتبار امر مختومه توسط قاضی صادر کننده رای سابق... ۷۳
- ۱-۱-۱-۱۳. صدور قرار امتناع از رسیدگی در صورت نقض حکم ماهوی در دادگاه تجدید نظر..... ۷۵
- ۱-۱-۱-۱۴. نقض حکم دادگاه بدوی و تلقی آن عنوان قرار توسط دادگاه تجدید نظر..... ۷۸
- ۱-۱-۲. اعمال ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۷۹**
- ۱-۲-۱-۱. افزایش خواسته..... ۷۹
- ۱-۲-۱-۱-۱. شرایط افزایش خواسته..... ۸۰
- ۱-۲-۱-۲. معیار تشخیص بین افزایش خواسته و الحاق خواسته..... ۸۴
- ۱-۲-۱-۳. معیار تشخیص دعوای اضافی از افزایش خواسته..... ۸۹
- ۱-۲-۱-۳. اقدامات قاضی در فرض پذیرش افزایش خواسته..... ۹۳
- ۱-۲-۲. تغییر نحوه دعوا..... ۹۹
- ۱-۲-۳. تغییر خواسته..... ۱۰۲
- ۱-۲-۳-۱. تکلیف دادگاه در فرض پذیرش عدم تغییر خواسته..... ۱۰۸
- ۱-۲-۳-۲. حضوری یا غیابی بودن رای مورد تغییر خواسته..... ۱۱۲
- ۱-۲-۴. تغییر درخواست..... ۱۱۴
- ۱-۳-۱. جلب شخص ثالث ۱۱۵**
- ۱-۳-۱-۱. شرایط دادخواست جلب شخص ثالث..... ۱۱۶
- ۱-۳-۱-۲. مهلت اقامه دعوای جلب شخص ثالث..... ۱۲۴
- ۱-۳-۱-۳. مراحل امکان جلب شخص ثالث..... ۱۳۰
- ۱-۳-۱-۴. نحوه جلب شخص ثالث در مرحله تجدید نظر..... ۱۳۳
- ۱-۳-۱-۵. تکلیف دادگاه در صورت تقدیم دادخواست جلب شخص ثالث... ۱۳۸
- ۱-۳-۱-۶. جلب شخص ثالث در مقام رفع نقض دادخواست..... ۱۴۳
- ۱-۳-۱-۷. حق دفاع وکیل دعوای اصلی در دعوای جلب ثالث..... ۱۴۹

- ۱۵۱.....۸-۳-۱-۴. تکلیف دادخواست جلب ثالث بعد از مهلت مقرر.....
- ۱۵۵.....۹-۳-۱-۴. خصوصیات مجلوب ثالث در دعوی جلب شخص ثالث.....
- ۱۵۵.....۲-۴. حقوق خوانده.....
- ۱۵۵.....۱-۲-۴. جلب شخص ثالث.....
- ۱۵۶.....۲-۲-۴. طرح دعوی متقابل.....
- ۱۵۷.....۱-۲-۲-۴. شرایط اقامه دعوی متقابل.....
- ۱۶۵.....۲-۲-۲-۴. مراحل امکان طرح دعوی تقابل.....
- ۱۷۲.....۳-۲-۲-۴. ناقص بودن دادخواست تقابل.....
- ۱۷۳.....۴-۲-۲-۴. خارج از مهلت بودن دعوی تقابل.....
- ۱۷۵.....۵-۲-۲-۴. تکلیف دادگاه در صورت فرض پذیرش دادخواست تقابل.....
- ۱۷۵.....۳-۲-۴. طرح ایرادات.....

۱۷۸..... فهرست منابع.....

۳- حقوق و تکالیف اصحاب دعوا تا اولین جلسه دادرسی

تا اولین جلسه دادرسی را باید مقطعی دانست که از تقدیم دادخواست شروع شده و نخستین اقدام شخص ذینفع در اولین جلسه دادرسی را نیز در برمی گیرد که به شرح ذیل به این حقوق و تکالیف اشاره می شود.

۳-۱. حقوق خواهان

۳-۱-۱. استرداد دادخواست

وفق بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. در خصوص بند الف رویه بر این است که قبل از تشکیل جلسه اول دادرسی خواهان طی لایحه ای از طریق دفتر خدمات قضایی یا از طریق دفتر شعبه اشاره می نماید که دادخواست خود را مسترد می نماید. در چنین صورتی چون مقام قضایی هنوز وارد مرحله ماهیت دعوا و ارکان دعوا نشده است وفق بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار ابطال دادخواست را صادر می نماید. به عبارت دیگر تا زمانی که مقام قضایی وارد ارکان دعوا نشده است چنانچه خواهان دادخواست خود را مسترد نماید با قرار ابطال دادخواست مقام قضایی پرونده را مختومه می نماید. به عنوان مثال در دعوی الزام به تنظیم سند در جلسه اول دادرسی دادگاه خطاب به خواهان بیان می دارد که اظهارات خود را در خصوص دعوی مطروحه بیان نمائید. خواهان بیان می دارد که خواسته خود را مسترد می نمایم. در چنین صورتی دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می نماید اما چنانچه دادگاه در جلسه دادرسی اظهارات اصحاب دعوا را اخذ نماید و ارکان دعوی الزام به تنظیم سند که وجود قرارداد متعبر و نقض تعهد را بررسی بکند و سپس در ادامه جلسه خواهان بخواهد دعوی خود را مسترد نماید در چنین صورتی چون دادگاه وارد ارکان دعوا شده است استناد بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی صحیح

نمی‌باشد که در این خصوص به نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شرح ذیل اشاره می‌شود:

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۰۶ مورخه ۱۳۸۹/۰۳/۱۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

به نظر می‌رسد مقصود از «تا اولین جلسه دادرسی» مذکور در بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ تا پیش از شروع مذاکرات طرفین و ورود به رسیدگی است؛ بنابراین امکان استرداد دادخواست از زمان تقدیم دادخواست شروع می‌شود و تا وقتی دادگاه برای رسیدگی به دعوا ورود پیدا نکرده است خاتمه می‌یابد. هر چند جلسه منعقد شده باشد، از این رو اگر خواهان در اولین اظهارات خود در اولین جلسه دادرسی تقاضای استرداد دادخواست نماید باید برابر بند الف ماده ۱۰۷ قانون مذکور، قرار ابطال دادخواست صادر شود چون دادگاه وارد رسیدگی به دعوا نشده است ولی هرگاه پس از ورود به رسیدگی دعوا، خواهان بخواهد از طرح ادعای خود انصراف دهد باید درخواست استرداد دعوا نمایند نه استرداد دادخواست که اگر این درخواست پیش از ختم مذاکرات باشد مشمول بند (ب) خواهد بود و اگر پس از آن مشمول بند (ج) خواهد بود

عنوان: استرداد ضمنی دادخواست اعسار

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۰۲۱۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۲/۳۱

پرداخت هزینه دادرسی به معنی استرداد ضمنی دادخواست اعسار از

پرداخت هزینه دادرسی است

مستشاران شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

نامدار- فلکی

۳-۱-۱-۱. استرداد دادخواست ناقص

در خصوص اینکه چنانچه دادخواستی که خواهان تقدیم دادگاه نموده ناقص باشد و مدیر دفتر دادگاه اخطار رفع نقص برای خواهان ارسال نماید اما خواهان طی

لایحه‌ای اعلام نماید که دادخواست خود را مسترد می‌نماید مقام قضایی چه تصمیمی اتخاذ می‌نماید به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

«نشست قضایی استان فارس / شهر شیراز، مورخه ۱۳۹۷/۱۰/۰۶»

موضوع: قرار مقتضی در خصوص استرداد دادخواست ناقص یا در مرحله رفع

نقص

پرسش: چنانچه دادخواست مطابق ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی ناقص باشد و قبل از رفع نقص یا حین رفع نقص از ناحیه دفتر دادگاه، خواهان دادخواست را قبل از جلسه اول دادرسی مسترد نماید، قانوناً چه قراری باید صادر گردد؟

نظر هیئت عالی

خواهان حق دارد در هر مرحله از جریان رسیدگی به دعوی از جمله پس از تقدیم دادخواست، حسب مورد دادخواست یا دعوی خود را مسترد کند؛ بدیهی است استرداد دادخواست یا دعوی، با صدور قرار نهایی دادگاه، نتیجه مخومه شدن پرونده را به دنبال دارد و در فرض سوال صدور قرار ابطال دادخواست از وظایف و اختیارات دادگاه می‌باشد.

نظر اکثریت

با توجه به اینکه تا زمانی که مطابق مواد ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی دعوا در مرحله توقیف دادخواست باشد و توسط مدیر دفتر دادگاه نسبت به آن رفع نقص صورت نگرفته باشد، اساساً پرونده به جریان نمی‌افتد تا قاضی دادگاه در مورد سوال بتواند قرار ابطال دادخواست صادر نماید؛ لذا در چنین وضعیتی چه قبل از رفع نقص و چه در حین آن استرداد دادخواست به منزله عدم رفع نقص از ناحیه خواهان است و دفتر دادگاه مکلف است مطابق ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به صدور قرار رد دادخواست اقدام نماید.

نظر اقلیت

با توجه به اینکه به موجب ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی اظهارنظر در خصوص استرداد دادخواست به عهده قاضی دادگاه می‌باشد، لذا در موضوع سوال

هر چند دادخواست ناقص یا در مرحله رفع نقص باشد با توجه به اینکه اظهار نظر در خصوص استرداد دعوا از خصایص دادگاه می‌باشد؛ لذا قاضی دادگاه می‌بایست مطابق بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به صدور قرار ابطال دادخواست بنماید

۳-۱-۱-۲. استرداد تأمین خواسته قبل از جلسه اول رسیدگی

خواهان ممکن است درخواست‌هایی از دادگاه نموده باشد من جمله تأمین خواسته، دستور موقت، توقیف عملیات اجرایی .. حال سوال این است اگر درخواست را خواهان مسترد نموده باشد مقام قضایی چه تصمیمی می‌بایست اخذ نماید. به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود و سپس در ادامه نمونه قرار در این خصوص ذکر می‌شود.

«نشست قضایی استان فارس / شهر پاسارگارد، مورخه ۱۳۹۷/۰۱/۲۸»

موضوع: استرداد تأمین خواسته قبل از جلسه اول رسیدگی

پرسش: در صورتیکه خواهان تأمین خواسته و مطالبه وجه در یک دادخواست تقدیم دادگاه نماید و قبل از اولین جلسه نامبرده در خصوص تأمین خواسته آن را مسترد نماید چه تصمیمی باید اخذ گردد.

نظر هیئت عالی

در صورتی که صرفاً درخواست تأمین خواسته مسترد شده باشد به استناد ماده ۱۱۵ ق.آ.د.م قرار رد درخواست تأمین خواسته صادر می‌شود و حتی در قالب تصمیم و دستور اداری نیز قابلیت اظهار نظر را دارد مانند این که نوشته شود "با توجه به این که خواهان درخواست صدور قرار تأمین خواسته را مسترد نموده، دادگاه در این خصوص مواجه با تکلیف قانونی نمی‌باشد." در هر حال رویه بر صدور قرار رد درخواست تأمین خواسته می‌باشد؛ لیکن اگر دادخواست مسترد شده باشد به استناد ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود؛ درخواست تأمین خواسته تابع آن می‌باشد و اثر قرار ابطال دادخواست بر آن نیز بار می‌شود و نیازی به اظهار نظر و اتخاذ تصمیم مستقل ندارد.

نظر اکثریت

با توجه به صراحت ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی چنانچه خواهان تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد نماید دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر خواهد نمود و در این مورد چون تأمین خواسته با مطالبه وجه در یک دادخواست مطرح گردیده اینجا قواعد حاکم بر دادخواست بر تأمین خواسته جاری است.

نظر اقلیت

تأمین خواسته درخواست می‌باشد و ما در جایی به ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی استناد می‌کنیم که قواعد دادخواست جاری باشد و در مواد ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بحث از درخواست تأمین خواسته می‌باشد و در صورت استرداد تأمین خواسته با وحدت ملاک از ماده ۱۱۵ قانون فوق‌الذکر قرار رد درخواست تأمین خواسته صادر می‌گردد. لازم به ذکر است در این خصوص به نمونه قراری به شرح ذیل اشاره می‌شود:

به تاریخ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان به تصدی امضاء کننده ذیل الذکر تشکیل شده است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.

قرار دادگاه:

در خصوص دادخواست با وکالت به طرفیت با وکالت به خواسته تأمین خواسته نظر به اینکه خواهان دادخواست خود را مسترد نموده است لذا موجبی برای رسیدگی به درخواست نیست (قانون گذار در ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی فقط به استرداد دادخواست و دعوا اشاره کرده است و به درخواست‌های که ممکن است استرداد شود اشاره ای نکرده است این سکوت می‌تواند از نواقص قانون گذار باشد، بنابراین اگر درخواست استرداد شود در قانون

مشخص نشده قاضی چه تصمیمی اتخاذ می کند به عنوان مثال خواهان درخواست تامین دلیل داده قبل از اینکه قرار تامین دلیل صادر کنیم درخواست را استرداد می کند یا اینکه خواهان درخواست مهر و موم ترکه را مطرح کرده و قبل از رسیدگی دادگاه، آن را مسترد می نماید و یا حتی در اثناء رسیدگی درخواست را مسترد می کند در چنین وضعیتی قاضی چه قراری باید صادر کند؟ در جواب باید گفت در اینگونه موارد منطوق ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، کاربردی ندارد و به نظر می رسد شایسته است بنا به مفهوم استرداد، قرار متناسب صادر کنیم. چون آن شخص با استرداد، طلب رد درخواست خود را نموده است. بنابراین به مستفاد از ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی و بنا به استرداد درخواست، قرار رد درخواست دادخواست، قرار ابطال آن را پیش بینی کرده است) لذا با توجه به توضیح فوق الذکر و مستفاد از ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست نامبرده صادر و اعلام می گردد و قرار صادر قطعی است (علت قطیت قرار رد درخواست آن است که در دادگاه های عمومی اصل بر قطعیت اراده است مگر اینکه مطابق قانون قابل تجدید نظر خواهی باشد و در ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی نامی از قرار رد درخواست برده نشده است، بنابراین قرار مذکور قطعی اعلام شده است و در خصوص اخذ خسارت احتمالی نظر به اینکه وجهی واریز نشده است دادگاه مواجه با تکلیف نمی باشد)

۳-۱-۱-۳. نمونه قرار استرداد دادخواست بند الف ماده ۱۰۷

به تاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان به تصدی امضاء کننده ذیل الذکر تشکیل شده است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

نماید. در چنین صورتی دادگاه نسبت به ایراد خواهان توجه نمی‌نماید و خواهان می‌بایست ایراد جعل نماید تا دادگاه نسبت به این ایراد توجه نماید.

۳-۱-۲-۲ ادعای انکار یا تردید نسبت به سند عادی خوانده

در صورتی که خوانده سندی که بدان استناد نموده است سند عادی باشد و خواهان نسبت به آن ادعای انکار یا تردید نماید در چنین صورتی اگر خوانده اصل سند را در جلسه اول دادرسی حاضر نکرده باشد به استناد ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی سند از عداد دلایل ولی خارج می‌شود.

۳-۱-۲-۳ ادعای جعل نسبت به سند رسمی

با توجه به ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی که در خصوص ادعای انکار و تردید تعیین تکلیف نموده است اما در خصوص ادعای جعل ماده ۹۶ ساکت بوده و حکمی را بیان نکرده است در چنین صورتی می‌بایست از مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی تخریج مناط نمود و ممکن است خوانده در جلسه دادگاه حضور یافته و بیان دارد نسبت به استفاده از سند خود باقی است و ادعای خواهان را قبول ندارد در چنین صورتی خوانده می‌بایست وفق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف مهلت ۱۰ روز اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید اگر خوانده در جلسه دادگاه غایب باشد و خواهان در جلسه دادگاه حضور یافته و نسبت به سند ابرازی خوانده ادعای جعل نماید در چنین صورتی دادگاه وقت احتیاطی تعیین نموده و به خوانده ابلاغ می‌نماید چنانچه نسبت به استفاده از سند باقی است ظرف مهلت ۱۰ روز اصل سند را به دفتر دادگاه اعاده نماید لازم به ذکر است چنانچه خوانده در جلسه دادگاه پیدا نکرده باشد و وکیل ایشان در جلسه دادگاه حاضر شود وفق تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی وکیل خوانده حق استمهال دارد. در چنین صورتی دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می‌دهد.

متن دستور قاضی به دفتر در راستای ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی

مدنی

دفتر وقت نظارت ۱۰ روزه تعیین، نظر به اینکه خواهان در جلسه اول دادرسی نسبت به سند عادی خوانده ادعای جعل نموده است و خوانده در جلسه رسیدگی حضور نیافته و وکیل ایشان در جلسه رسیدگی حضور داشته و بیان نموده است که اصل سند نزد ایشان نمی‌باشد لذا در راستای تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی به وکیل خوانده ابلاغ شود ظرف مهلت اصل سند را ارائه نماید با حلول وقت یا حصول نتیجه پرونده به نظر برسد.

نحوه مهر و موم سند ارائه شده توسط خوانده یا وکیل خوانده

به تاریخ یک فقره عکس رنگی از مبایعه نامه به شماره بدون تاریخ که صرفاً امضاء و اثر انگشت ذیل مبایعه نامه مزبور اصلی بوده به جهت ادعای جعل از ناحیه خوانده، نسبت به مبایعه نامه مذکور، حسب دستور رئیس محترم شعبه در راستای ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی توسط آقای/خانم به دفتر شعبه دادگاه حقوقی شهرستان تحویل گردیده و این رسید بابت تحویل مبایعه نامه فوق به آقای/خانم تحویل شد. بدیهی است استرداد مبایعه نامه مزبور منوط به ارائه این رسید به دفتر شعبه خواهد بود.

۳-۱-۲-۴. شرایط صدور قرار رسیدگی به اصالت سند

برای اینکه قرار رسیدگی به اصالت سند صادر شود یک سری شرایط لازم است و آن اینکه اولاً ادعای جعل نسبت به آن سند در موعد قانونی باید از ناحیه خواهان یا خوانده به عمل آمده باشد ثانیاً اصل سند می‌بایست به شرط بقای استناد کننده به استناد به آن توسط وی به دادگاه ارائه شده باشد ثالثاً سند استنادی موثر در دعوا و تصمیم نهایی دادگاه درباره آن باشد بدین توضیح که مثلاً در مثال فوق الذکر که بیان نمودیم دادخواست تأیید انفساخ را به علت شرط فاسخ (عدم پرداخت ثمن معامله) تقدیم نموده باشد و خوانده در جلسه دادرسی سندی را ارائه نماید که دال بر

آنجا که خواسته مستقلاً علیه مجلوب ثالث مطرح نشده است، قرار رد دعوا نسبت به وی صادر می‌شود.

۴-۱-۳-۶. جلب شخص ثالث در مقام رفع نقض دادخواست

گاهی از اوقات مشاهده می‌شود که خواهان دادخواست تقسیم ترکه را مطرح نموده است و در جلسه اول دادرسی قاضی احراز می‌نماید که خواهان برخی از وراثت را طرح دعوا قرار نداده است و خواهان که معمولاً وکیل ایشان می‌باشد در مقام پاسخ بیان می‌نماید که جلب شخص ثالث (خواندگانی که جز ورثه هستند و طرف دعوا قرار نگرفته اند) را خواستار می‌باشد یا اینکه خواهان دادخواست الزام به تنظیم سند را مطرح نموده و طی استعلامی مشخص می‌شود خواننده دعوا صاحب ملک نمی‌باشد و سند به نام شخص دیگری است در چنین صورتی خواهان در جلسه اول دادرسی بیان می‌دارد که جلب شخص ثالث (صاحب سند ملک) را خواستار می‌باشد. در چنین صورتی آیا جلب شخص ثالث در مقام رفع نقص صحیح می‌باشد یا خیر؟ که در این خصوص به نشست‌های قضایی و نظریه مشورتی به شرح ذیل اشاره می‌شود:

«نشست قضایی استان خراسان رضوی / شهر قوچان، مورخه ۱۳۹۸/۰۴/۲۶»

موضوع: رفع ایراد شکلی دادخواست با طرح دعوی طاری

پرسش: آیا با دعوی جلب ثالث می‌توان ایراد شکلی دادخواست را رفع کرد؟ به عنوان مثال در دعوی تقسیم ماترک برخی از وراثت طرف دعوا نیستند و خواهان با جلب ثالث (وراثت از قلم افتاده) در مقام رد ایراد شکلی است، آیا جلب ثالث چنین کاربرد و ظرفیتی می‌تواند داشته باشد؟

نظر هیئت عالی

با دعوی جلب ثالث نمی‌توان نواقص دعوی اصلی را برطرف کرد؛ زیرا دعوی طاری زمانی قابلیت طرح و پذیرش دارند که دعوی اصلی نواقص شکلی نداشته باشند؛ مضافاً فلسفه طرح دعوی جلب ثالث ادعای استقلال حق علیه ثالث یا دعوی

مجلوب ثالث به منظور حمایت از موضع یکی از طرفین دعوا می‌باشد و رفع ایرادات شکلی دادخواست اصلی با طرح دعوی جلب ثالث میسور نیست

نظر اکثریت

با توجه به اینکه دعای طاری زمانی قابلیت طرح و پذیرش دارند که دعای اصلی فارغ از هرگونه ایراد شکلی باشد در زمانی که دعای اصلی قابلیت تداوم ندارد نمی‌توان دعای طاری را بر آن مبتنی ساخت و فلسفه طرح دعوی جلب ثالث رفع نقص و رفع ایرادات شکلی دعوی اصلی نیست بلکه فلسفه آن ادعای استقلالی حق علیه ثالث یا دعوت وی جهت حمایت از موضع یکی از طرفین دعوی می‌باشد و از منظر دیگر رسیدگی دادگاه در دعوی حقوقی مأخوذ به خواسته می‌باشد و قواعد آیین دادرسی جنبه آمره داشته و با حقوق دادرسی خواننده درارتباط است و نمی‌توان به بهانه ارفاق به خواهان یا تسهیل دادرسی یا صرفه جویی در هزینه های دادرسی از ایرادات آن چشم پوشی کرد.

نظر اقلیت

در دعوی حقوقی اصل بر رسیدگی ماهیتی به موضوعات و استثنائی بودن ایرادات می‌باشد. ایرادات در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی احصاء شده است. ۲- ظاهر ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی جلب ثالث را در هر زمانی که طرفین لازم بدانند امکان پذیر دانسته است و در مورد سوال منع قانونی به صراحت نیامده است. ۳- هدف از امکان طرح دعوی طاری و اضافی، رسیدگی جامع و کامل به موضوعات حقوقی است و می‌توان از ظرفیت های قانونی دعوی طاری برای ترمیم دادرسی و تداوم آن بهره جست. ۴- با جلب اشخاص ذی نفع به دادرسی مانع و ایراد شکلی مرتفع می‌گردد و مطابق قاعده فقهی «اذا زال المانع عاد الممنوع» می‌توان دادرسی را ادامه داد.

«نشست قضایی استان بوشهر / شهر برازجان، مورخه ۱۳۹۷/۰۵/۲۳»

موضوع: تقدیم دادخواست جلب ثالث در صورت عدم قید نام یکی از وراثت در

دادخواست اولیه

پرسش: چنانچه خواهان، یکی از وراث را به عنوان خوانده از قلم انداخته باشد؛ آیا در جلسه اول دادرسی می‌تواند دادخواست جلب ثالث تقدیم دادگاه بنماید و وراث مذکور را وارد پرونده نماید؟

نظر هیئت عالی

خواهان نمی‌تواند شخصی را که طرف یا خوانده اصلی است در قالب دعوی جلب ثالث وارد دعوا نماید؛ زیرا با حقوق دفاعی مجلوب ثالث تنافی داشته و در صورتی که در مرحله رسیدگی تجدیدنظری به دادرسی جلب شود، یک مرحله از دادرسی را از دست داده و به علاوه با رعایت اصل تناظر در رسیدگی محاکماتی مرحله نخستین نیز منافات دارد.

نظر اکثریت

ورثه قبل از طرح دادخواست مشخص می‌باشند و وراث جزء وابستگان اصلی طرف دعوی محسوب می‌شوند و کسی به دعوی، جلب ثالث می‌شود که جزء خوانده دعوی نباشد و در مانحن‌فیه، چون ورثه جزء طرف دعوی می‌باشد از طریق جلب ثالث امکان وارد نمودن آن در پرونده وجود ندارد.

نظر اقلیت

جلب ثالث، راهکار قانونی جهت وارد نمودن اشخاص ثالث در پرونده می‌باشد که وفق ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی، مجلوب ثالث به عنوان خوانده دعوی تلقی می‌گردد و تمام احکام خوانده در خصوص وی اجرا می‌گردد؛ لذا از طریق دادخواست جلب ثالث، ورثه مذکور را می‌توان وارد دعوی نمود.

۱. خواهان نمی‌تواند کسی را که در واقع باید به عنوان خوانده دعوی اصلی طرف دعوا واقع می‌شد و به عنوان جلب ثالث به دادرسی جلب نماید.

۲. در فرضی که دادگاه بدوی قرار رد دعوی خواهان را به لحاظ عدم توجه دعوا به وی صادر کرده و نامبرده علاوه بر تجدید نظر خواهی، دادخواست جلب ثالث را نیز علیه شخصی که دعوا متوجه اوست اقامه نموده است، دادگاه تجدید نظر ضمن

تادید قرار رد دعوی تجدید نظر خواسته، قرار رد دعوی جلب ثالث را نیز صادر می‌کند.

«نظریه مشورتی شماره ۰۷/۹۵/۱۹۰۶ مورخه ۱۳۹۵/۰۸/۱۱ اداره کل حقوقی قوه

قضائیه»

استعلام

چنانچه دادگاه بدوی به لحاظ عدم توجه دعوی نسبت به خواننده قرار رد دعوی صادر نماید و خواهان با تجدید نظر خواهی نسبت به رای مذکور صرفاً به این جهت که دعوی را به طرفیت شخصی که دعوی توجه به وی دارد طرح کند مبادرت به تقدیم دادخواست جلب ثالث نماید با توجه به اینکه دادگاه بدوی وارد در ماهیت دعوی نشده و لحاظ اصل صلاحیت ذاتی دادگاه بدوی در رسیدگی به دعاوی واصل دو مرحله های بودن رسیدگی و رعایت مجلوب ثالث از حقوق مرتبط به دادرسی بدوی ایا دادگاه تجدید نظر می‌تواند ضمن تائید قرار رد دعوی دادخواست جلب ثالث را به عنوان دعوی مستقل به دادگاه بدوی اعاده نماید یا علی‌الرغم تائید قرار معترض و اینکه رسیدگی دیگری در مورد اصل دعوی متصور نیست خود به دعوی جلب ثالث نیز رسیدگی نماید؟

پاسخ

اولاً: خواهان نمی‌تواند کسی را که در واقع باید به عنوان خواننده دعوی اصلی طرف دعوی واقع می‌شد به عنوان شخص ثالث به دادرسی ولو در مرحله بدوی جلب نماید.

ثانیاً: در فرضی که دادگاه بدوی قرار رد دعوی خواهان را به لحاظ عدم توجه دعوا به وی صادر کرده و نامبرده علاوه بر تجدید نظر خواهی، دادخواست جلب ثالث را نیز علیه شخصی که دعوا متوجه اوست اقامه نموده است، دادگاه تجدید نظر ضمن تائید قرار رد دعوی تجدید نظر خواسته، قرار رد دعوی شخص ثالث را نیز صادر می‌کند، زیرا جلب ثالث مطابق قانون اقامه نشده است و اعاده پرونده جلب ثالث به دادگاه بدوی جهت رسیدگی نیز فاقد موقعیت قانونی است چون طرح

دعوی جلب ثالث در مرحله تجدید نظر به منظور رسیدگی در همان مرجع بوده است و مدعی می‌تواند مجدداً دعوی خود را به طور صحیح علیه کسی که دعوی متوجه اوست، در مرجع ذیصلاح بدوی اقامه نماید.

«دادنامه شماره ۱۰۵۴۳۶۶/۱۰۹۳۰۰۰۱۴۰۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۰۴ شعبه ۲۲ دادگاه تجدید نظر استان اصفهان»

در خصوص تجدیدنظرخواهی..... دادنامه..... شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان..... که متضمن صدور قرار عدم استماع دعوی تجدید نظر خواه به سبب عدم طرح دادخواست اصلی به طرفیت کلیه مالکین بوده و دادخواست جلب ثالث نیز رافع نقص دادخواست اولیه نیست؛ در جهت توجیه تصمیم این دادگاه ذکر چند مبنا ضرورت دارد:

اول: آیین دادرسی مدنی مجموعه‌ای از قواعد و حق‌های شکلی است و حق‌های شکلی مجموعه حداقلی از تشریفات است که برای تحقق نتیجه مطلوب طراحی شده‌اند. اشخاص برای اعاده حقوق از دست رفته خود باید به مقامات عمومی مراجعه کرده و استمداد بطلبند. شیوه مراجعه به مقام عمومی (دادگاه) تابع آیین ویژه‌ای است که در قالب قوانین شکلی تجلی یافته است و این قوانین شکلی در واقع روش تنفیذ حق‌های ماهوی هستند. دادرسی در قضاوت حق‌های ماهوی در پی ساختن عدالت ماهوی است و این عدالت ماهوی را باید از طریقی منصفانه به منصفانه ظهور برساند. متداعین فقط نگران منصفانه بودن نتیجه در رای نهایی نیستند، بلکه انتظار دارند آیین‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری نیز منصفانه باشد و بدین جهت است که آیین دادرسی را باید از طریق ارزش‌های ذاتی‌اش که در قالب اصول آیینی از جمله اصل مناظره، اصل استقلال و بی‌طرفی دادرسی، اصل رسیدگی دو درجه‌ای و اصل اطلاع کامل از ادعا و اسناد و دلایل طرف مقابل و غیره، تجلی یافته و ارزش ذاتی (نه فقط راهبردی) دارند، قضاوت کنیم نه صرفاً از طریق نتایجی که تولید می‌کند. با این شرح طرفین حق دارند چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر از عدالت آیینی برشمرده برخوردار شوند.

دوم: پس ارزش ذاتی قواعد آیینی برای اطمینان از اصحاب دعوا در غیر وصول عادلانه به حق است و در این میان اصل استماع دعوا ایجاب می‌کند تا دعوا در صورت نبودن مانع، استماع گردد. در دعوای پیش رو اگر هم دادخواست اولیه را ناقص بدانیم با جلب مالک دیگر و فراخواندن او به دعوا، این نقص برطرف شده و مالک بی اطلاع نیز در جریان دعوا قرار گیرد و حقی از زائل نمی‌شود. کما اینکه در ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز آمده که شخص ثالثی که جلب شده خواننده محسوب می‌شود که خود دلالت بر امکان رفع نقص از دادخواست اولیه یا اقلأً دادخواستی مستقل در کنار دادخواست اولیه است. از این جهت قرار صادره شایسته تایید نمی‌باشد بنابراین تجدیدنظرخواهی را وارد دانسته و مستند به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و جهت رسیدگی ماهوی وفق مقررات و موازین حقوقی و قانونی به دادگاه محترم نخستین اعاده می‌نماید رای دادگاه قطعی می‌باشد.

«مستشاران شعبه بیست و دوم دادگاه تجدید نظر استان اصفهان»

داود مومن زاده - علی رئیسی

شماره دادنامه قطعی: عنوان: وارد کردن خواننده به دعوی به عنوان ثالث
 ۹۲۰۹۹۸۰۲۲۷۳۰۰۰۷۸ پیام: تاسیس جلب ثالث به منظور تکمیل
 تاریخ دادنامه قطعی: دادخواست از حیث جامعیت همه اشخاصی که دعوا
 ۱۳۹۳/۱۱/۲۸ متوجه آنهاست تجویز نشده و طرح دادخواست جلب
 ثالث به رفع این نقیصه نمی‌شود؛ بنابراین شخصی را
 که خواهان باید در واقع به عنوان خواننده قرار می‌داد
 نمی‌توان به عنوان جلب ثالث در دعوی وارد کرد.
 رئیس و مستشار شعبه ۵۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران
 سیدعباس موسوی - مجتبی نوروزی .

جزئیات نظریه

شماره نظریه: ۶۶۵/۹۸/۷

شماره پرونده: ۶۶۵-۱۲۷-۹۸ ح

تاریخ نظریه: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

استعلام:

در دعوی اثبات مالکیت علیه فروشنده که فوت نموده است خواهان تنها بطرفیت یکی از وراث متوفی طرح دعوی نموده است و در جلسه اول رسیدگی پس از ایراد شکلی و کیل خوانده مبنی بر عدم طرح دعوی بطرفیت کل وراث و کیل خواهان در جلسه رسیدگی اظهار داشت ظرف ۳ روز دادخواست جلب ثالث را به طرفیت سایر وراث مطرح و ارائه خواهد نمود؟ تکلیف دادگاه چه بوده و چه تصمیمی باید اتخاذ نمود؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

خواهان نمی تواند کسی را که در واقع باید خوانده اصلی باشد (مانند برخی از شرکا) به عنوان شخص ثالث به دادرسی جلب نماید؛ بلکه باید دادخواست دیگری علیه وی مطرح کرده و در اجرای ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، تقاضای رسیدگی توأم نماید؛ زیرا وی شخص ثالث نیست و جلب این فرد به دادرسی به عنوان ثالث، منافی حقوق دفاعی او است. توضیح آن که وفق ماده ۱۳۵ قانون یادشده، حتی در مرحله تجدیدنظر نیز می توان شخص ثالث را به دادرسی جلب کرد. حال اگر شخص ثالث، خوانده اصلی دعوی باشد، بدون این که در مرحله بدوی شرکت نموده باشد و محکوم شود، یک مرحله دادرسی از وی سلب می شود و دادگاه چنین حق و اختیاری ندارد.

۴-۱-۳-۷. حق دفاع وکیل دعوای اصلی در دعوای جلب ثالث

هنگامی که خواهان یا وکیل ایشان دادخواست جلب شخص ثالث را مطرح می نماید و دادگاه وقت رسیدگی برای دعوای اصلی و شخص ثالث معین نماید این

سوال پیش می‌آید آیا وکیل دعوای اصلی حق دفاع در دعوای جلب شخص ثالث را نیز دارد یا خیر؟ که در این خصوص به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود:

«صورتجلسه نشست قضایی استان گیلان/ شهر رضوانشهر، مورخه ۱۳۹۷/۱۰/۲۵»

موضوع: جلب شخص ثالث با حق وکالت سابق

پرسش: آیا در دعوی جلب ثالث اصلی، وکیل خواهان دعوی اصلی که موکلش

مجلوب ثالث است، حق دفاع از دعوی جلب ثالث با همان وکالت سابق را دارد؟

نظر هیئت عالی

با توجه به اینکه طرح دعوی جلب ثالث یک دعوا و پرونده مستقلی است، هرچند با دعوای اصلی یکجا و توأمان رسیدگی و اظهار نظر نهائی به عمل می‌آید؛ لیکن وکیل خواهان دعوی اصلی که موکلش مجلوب ثالث می‌باشد برای ورود در پرونده و دفاع از موکلش باید تمبر مالیاتی و ... را پرداخت نماید؛ زیرا برای معافیت وکیل از پرداخت هزینه‌های مربوط به وکالت از جمله تمبر مالیاتی نص خاصی وجود ندارد و ماده ۳۵ ق.آ.د.م نیز ظهور در اینکه وکیل نباید تمبر جداگانه ابطال نماید، ندارد.

نظر اکثریت

چون در ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی به وکالت در جلب ثالث و دفاع از دعوی ثالث اشاره شده است و چنانچه در وکالتنامه وکیل اختیار وکالت در جلب ثالث و دفاع از دعوی جلب ثالث تصریح شده باشد، نیازی به اعلام وکالت جدید در فرض سؤال نیست و با همان وکالت سابق و بدون ابطال تمبر مالیاتی وکیل حق دفاع از موکل را دارد. چرا که اذن در شی اذن در لوازم آن است.

نظر اقلیت

وکیل باید ضمن اعلام وکالت، تمبر مالیاتی را نیز در فرض سؤال وفق قانون ابطال نماید زیرا: ۱- در ماده ۵ آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر و کلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران حق الوکاله دفاع از دعوای جلب ثالث و غیره پیش بینی شده